چهارشنبه ۲۰ آبان ۱۴۰۵ □ اول جمادی‌الثانی ۱۴۴۸ □ ۱۱ نوامبر ۲۰۲۶ □ شماره ۲۴۲۸۴

اذان ظهر: ۱۱/۴۸، اذان مغرب: ۱۷/۲۰، نیمه‌شب شرعی: ۲۳/۰۵، اذان صبح(فردا): ۵/۱۱، طلوع آفتاب(فردا):۶/۳۷

اعتراض‌های خیابانی در بحرین همزمان با سفر وزیر دفاع سعودی به منامه

اعتراض‌های خیابانی مردم بحرین در چارچوب «روز خشم مردمی» با هدف آزادی تمامی بازداشت‌شدگان زندان‌های رژیم آل‌خلیفه، همزمان با سفر وزیر دفاع عربستان به منامه ادامه یافت.

اعتراضات مردمی در بحرین همچنان ادامه دارد. به گزارش مهر به نقل از المنار، اعتراضات داخلی در بحرین در چارچوب مراسم روز خشم مردمی با هدف درخواست برای آزادی تمام بازداشت‌شدگان در زندان‌های رژیم آل‌خلیفه و در رأس آن‌ها علمای شیعه ادامه دارد. کمیته برگزارکننده این اعتراضات از مردم خواست تجمعات و فعالیت‌های اعتراضی را در شهرها، مناطق و روستاهای بحرین ادامه دهند و روز ۲۲ نوامبر (۱ آذر) را موعد برگزاری یک حرکت اعتراضی گسترده‌تر اعلام کرد. همزمان، منابع سعودی از سفر خالد بن سلمان، وزیر دفاع عربستان، به بحرین خبر دادند. خالد بن سلمان در این سفر ریاست هیئت عربستانی شرکت‌کننده در بیست‌وسومین دوره از نشست‌های شورای دفاع مشترک کشورهای شورای همکاری خلیج‌فارس را برعهده دارد.

نفرت از اسرائیل به انگلیس رسید
۸۰ درصد مردم صهیونیست‌ها را «تهدید» می‌بینند

بر اساس نتایج نظرسنجی «مرکز ملی تحقیقات اجتماعی»، حدود ۸۰ درصد از انگلیسی‌ها رژیم آپارتاید اسرائیل را تهدیدی جدی برای صلح جهانی می‌دانند.

به گزارش ایرنا از میدل ایست آی، نظر منفی نسبت به اسرائیل در میان انگلیسی‌ها از ۴۸ درصد در سال ۲۰۰۵ به ۷۸ درصد در بهار امسال افزایش یافته است. این تغییر دو سال و نیم پس از آغاز نسل‌کُشی در غزه و پس از حمله تجاوزکارانه رژیم اسرائیل و آمریکا به ایران رخ داده است. بر اساس نتایج نظرسنجی «مرکز ملی تحقیقات اجتماعی»، انگلیسی‌ها رژیم آپارتاید اسرائیل را تهدیدی جدی برای صلح جهانی می‌دانند. نظرسنجی یوگاو نیز نشان داد تنها ۱۷ درصد جمعیت انگلیس معتقدند اسرائیل در غزه مرتکب نسل‌کشی نشده است. همچنین جنگ علیه ایران، که رژیم آپارتاید اسرائیل یکی از جنگ‌افروزان آن بود، اقتصاد انگلیس را متأثر کرده و هزینه‌های انرژی، مواد غذایی و وام مسکن خانوارها را افزایش داده است و همین هم بر نظرات مردم بی‌تأثیر نیست.

نگاه

ایران و پایان عصر سلطه‌گری آمریکا بر غرب آسیا

مترجم: سید محمد امین‌آبادی

نظام‌های امپراتوری در طول تاریخ، سرانجام زیر بار طمع سیری‌ناپذیر، اسراف ویرانگر و غرور نهادی خود فروپاشیده‌اند. امروزه آمریکا تنها قدرت امپراتوری جهان است و اسرائیل، به‌عنوان آخرین دولت استعمارگر باقی‌مانده، نقش پیشتاز آن را در غرب آسیا ایفا می‌کند. هر دو دولت اکنون نخستین نشانه‌های افول بنیادین خود را بروز داده‌اند. گاهی تنها یک اشتباه محاسباتی کافی است تا واقعیتی جدید شکل بگیرد. آمریکا و اسرائیل که تحت تأثیر توهمات سلطه‌طلبانه قرار داشتند، در ژوئن ۲۰۲۵ (خرداد ۱۴۰۴) و بار دیگر در فوریه ۲۰۲۶ (اسفند ۱۴۰۴) جنگ‌هایی مرگبار و خودخواسته را علیه ایران آغاز کردند. خطای بزرگ آن‌ها این بود که تصور می‌کردند می‌توانند ایران را که کشوری با تمدن و پیشینه تاریخی کهن است، به‌سادگی شکست دهند. اما این فرض نادرست، به‌جای پیروزی سریع، به باتلاقی گسترده‌تر در سطح منطقه انجامید و قدرت و اعتبار جهانی آمریکا را تضعیف کرد.

پس از هشت ماه آشفتگی نظامی و اقتصادی، جنگ جاری به بحرانی موجودیتی برای ایران و آمریکا، تبدیل شده است. آمریکا و اسرائیل طی ۴۷ سال گذشته همواره تهدیدی علیه ایران بوده‌اند. تهران به‌خوبی می‌داند که واشنگتن و تل‌آویو در پی نابودی این کشور هستند و این جنگ، نبردی برای موجودیت ایران است که باید در آن پیروز شود. آغاز عملیات «خشم حماسی» در ۲۸ فوریه (۹ اسفند)، برای جمهوری اسلامی حکم یازدهم سپتامبر را داشت. ایران همچنین می‌داند که نمی‌تواند به زندگی در شرایطی ادامه دهد که با حضور تهدیدآمیز آمریکا در منطقه ـ استقرار ۴۰ تا ۵۰ هزار نظامی آمریکایی در دست‌کم ۱۹ پایگاه ـ و تحریم‌های اقتصادی که مانع توسعه کشور شده‌اند، همراه باشد. علاوه‌بر این، رهبران ایران با توجه به سابقه طولانی بدعهدی‌ها، به‌خوبی آگاهند که آمریکا نه به مذاکرات صادقانه علاقه‌ای دارد و نه به همزیستی مسالمت‌آمیز. واشنگتن با آغاز جنگی بدون تحریک قبلی که ناقض حقوق بین‌الملل بود، زیرساخت‌های حیاتی ایران را نابود کرد و به کشته شدن ۳۴۶۸ ایرانی انجامید و به این ترتیب، ثابت کرد که نمی‌توان به این کشور اعتماد کرد. همزمان، آمریکا به‌شدت تلاش می‌کند برتری نظامی و اقتصادی خود را حفظ کند. زمانی که واشنگتن و تل‌آویو جنگ را آغاز کردند، تصور روشنی از این موضوع نداشتند که با این اقدام، تحولی انقلابی را در سطح منطقه‌ای و جهانی رقم خواهند زد. ویرانی‌های بی‌حدوحصر ناشی از این جنگ، توهم شکست‌ناپذیری سیاسی، اقتصادی و نظامی آمریکا و اسرائیل را درهم شکسته است؛ توهمی که طی ۸۱ سال گذشته با چالشی جدی روبه‌رو نشده بود.

امپراتوری آمریکا از زمانی که پس از جنگ جهانی دوم به قدرتمندترین اقتصاد جهان تبدیل شد، رونق اقتصادی و سلطه جهانی خود را از طریق بهره‌برداری از منابع دیگر کشورها، گسترش نظامی‌گری در سراسر جهان، ایجاد مشارکت‌های راهبردی با رژیم‌های بی‌رحم، وعده سرریز شدن ثروت به لایه‌های پایین جامعه و همچنین جهت‌دهی حساب‌شده و نامحسوس به افکار عمومی در داخل کشور حفظ کرده است. برتری آمریکا تا حد زیادی بر هژمونی دلار استوار بوده است. واشنگتن با تبدیل دلار به ارز پیش‌فرض در مبادلات تجاری جهان، مزیتی ساختاری و فراتر از اندازه واقعی خود به دست آورد؛ مزیتی که زیربنای نفوذ گسترده‌تر ژئوپلیتیکی این کشور را تشکیل داده است. این مسئله به‌ویژه در غرب آسیا صدق می‌کند؛ جایی که دلار، از طریق پیوند خوردن با نفت ـ که از دهه ۱۹۷۰ میلادی به ارز رایج در تجارت جهانی نفت تبدیل شده است ـ ابزاری برای اعمال کنترل بر کشورهای منطقه بوده است. در جولای ۱۹۴۴، در کنفرانس برتون وودز، ایالات متحده نظام مالی بین‌المللی جدیدی را بنیان گذاشت که محور آن دلار بود. بر اساس این نظام، کشورها توافق کردند ارزش پول ملی خود را به دلار آمریکا متصل کنند. همچنین نهادهایی مانند صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی، تحت رهبری، مدیریت و کنترل ایالات متحده شکل گرفتند.

از آنجا که تراکنش‌های مالی معمولاً از طریق نهادهای تحت سلطه آمریکا، مانند سوئیفت (جامعه جهانی ارتباطات مالی بین‌بانکی)، که یک بستر الکترونیکی برای پرداخت‌های بین‌بانکی است، پردازش می‌شوند، سلطه دلار به واشنگتن قدرت گسترده‌ای می‌دهد تا تحریم‌های فراگیری علیه کشورهای دیگر اعمال کند و آن‌ها را از اقتصاد جهانی کنار بگذارد. ایالات متحده با اعمال تحریم‌ها و محروم کردن کشورهای مخالف خود، مانند ایران، از دسترسی به سوئیفت، از ارز خود به‌عنوان سلاح استفاده کرده است. واشنگتن از طریق منزوی کردن اقتصادی این کشورها می‌کوشد به اهدافی اقتصادی دست یابد که در عرصه نظامی از تحقق آن‌ها ناتوان بوده است.

اکنون که آمریکا و اسرائیل شاهد سست شدن سلطه تاریخی خود بر منابع جهانی و توانمندی‌های دفاعی هستند، با خشونت و بی‌رحمی فزاینده‌ای در برابر مقاومت فلسطین، ایران، حزب‌الله در لبنان و انصارالله در یمن واکنش نشان می‌دهند؛ نیروهایی که بدون ترس هژمونی آن‌ها را به چالش کشیده‌اند. آمریکا طی دهه‌ها، قدرت جهانی خود را از طریق اتحادهای نامقدس با اسرائیل و همچنین مشارکت‌های نظامی و اقتصادی با رژیم‌های اقتدارگرای عرب حفظ کرده است؛ رژیم‌هایی که مأموریت مهار مخالفان منطقه‌ای را بر عهده داشته‌اند.

مستعمره صهیونیستی اسرائیل در ابتدا در غرب آسیا مستقر شد تا از منافع امپراتوری بریتانیا محافظت کند. با افول قدرت بریتانیا، اسرائیل حامی قدرتمند دیگری یافت که مشتاقانه از آن پشتیبانی می‌کرد. این رژیم طی دهه‌ها به‌عنوان ابزاری برای گسترش نفوذ و قدرت آمریکا در منطقه عمل کرده است. تناقض ماجرا اینجاست که جنگی که تل‌آویو سال‌ها در پی آغاز آن علیه ایران بوده، ممکن است در نهایت به نابودی خود اسرائیل، سرنگونی دیکتاتورهای عرب و فروپاشی برتری منطقه‌ای و جهانی آمریکا منجر شود.

حملات هماهنگ آمریکا و اسرائیل علیه ایران، موجی از احساسات دیرپای ضدامپریالیستی را در سراسر منطقه برانگیخت. ریشه‌های این جریان انقلابی به سال ۱۹۷۹ بازمی‌گردد؛ زمانی که ایران سلطه بیگانگان را رد کرد، حکومت پهلوی مورد حمایت آمریکا را سرنگون ساخت و بر حاکمیت مستقل خود تأکید ورزید. ایالات متحده طی ۴۷ سال گذشته، از طریق اعمال تحریم‌های جامع و ویرانگر اقتصادی، جنگی اقتصادی را علیه جمهوری اسلامی به راه انداخته است.

در سال ۲۰۰۸، دسترسی ایران به سامانه سامانه پرداخت بین‌بانکی فرامرزی(CIPS) قطع شد و در سال ۲۰۱۲ نیز تمامی بانک‌های ایرانی از شبکه سوئیفت خارج شدند. ایران برای مقابله با پیامدهای ویرانگر قطع ارتباط با شبکه مالی بین‌المللی، ناچار شد راهبردهای خود را تغییر دهد و به دنبال شرکای جایگزین، به‌ویژه روسیه و چین، برود. ایران در تلاش برای غلبه بر آثار تحریم‌های آمریکا، در ژانویه ۲۰۲۴ به عضویت کامل گروه بریکس درآمد؛ گروهی که تحت رهبری چین فعالیت می‌کند و برزیل، روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی اعضای آن هستند.

طرح آمریکا و اسرائیل برای بازآرایی منطقه، از مدت‌ها پیش تدوین شده بود. در سندی سیاستی با عنوان «گسست پاک: راهبردی نوین برای تأمین امنیت قلمرو» که در سال ۱۹۹۶ منتشر شد، شماری از مقام‌های ارشد امنیت ملی و چهره‌های تندرو نومحافظه‌کار استدلال کردند که امنیت اسرائیل نه از طریق تلاش برای برقراری صلح، بلکه از راه تغییر رژیم‌های کشورهای پیرامونی تأمین خواهد شد؛ طرحی که قرار بود از عراق آغاز شود، سپس سوریه را دربرگیرد و در نهایت به ایران برسد. کارزار ژئوپلیتیکی مستمر برای بازسازی غرب آسیا از طریق درهم شکستن مقاومت و برقراری سلطه مطلق آمریکا و اسرائیل، سرانجام در سال ۲۰۲۶ و با جنگ علیه ایران به اوج خود رسید. ضرورت «تأمین امنیت قلمرو» در سخنرانی ملی‌گرایانه مارکو روبیو، وزیر امور خارجه آمریکا، در سایه بنای «پارتنون» در آتن بازتاب یافت؛ سخنرانی که به‌طور معناداری در هفتم اکتبر، همزمان با سالگرد خیزش فلسطینیان در غزه، ایراد شد. روبیو علاوه‌بر ستایش ارزش‌های تمدن غرب، اعلام کرد که این تمدن در نقطه عطفی سرنوشت‌ساز قرار دارد؛ نقطه‌ای که در آن آمریکا و اروپا باید ارزش‌های اکتشاف و کشورگشایی را که زمانی محرک قرن‌ها گسترش قدرت آن‌ها بود، دوباره کشف کنند؛ در غیر این صورت، با افول یا بی‌اهمیتی روبه‌رو خواهند شد.

به گفته روبیو در این سخنرانی آمریکا و اسرائیل راهبرد «پیگیری بی‌ملاحظه قدرت ملی» را در این منطقه سرشار از منابع طبیعی برگزیده‌اند. اما اکنون برای نخستین بار با رقبایی هم‌تراز در عرصه جنگ نامتقارن روبه‌رو شده‌اند: جمهوری اسلامی ایران، انصارالله و حزب‌الله. همچنین آنها با اراده فلسطینیان برای مقاومت در برابر سلطه و به انقیاد کشیده شدن مواجه شده‌اند. آمریکا نشان داده است که توانایی پذیرش برابری و قرار گرفتن در جایگاه یکی از کشورهای متعدد جهان را ندارد. این کشور به شکلی غیرمنطقی بر حفظ جایگاه خود در «رأس جهان» پافشاری می‌کند؛ آن هم بدون توجه به هزینه‌ای که این جاه‌طلبی از نظر تلفات انسانی و منابع مالی و مادی به دنبال دارد.

منبع: کانترپانچ

فایننشال تایمز هنوز از پس‌لرزه‌های ضرب شست ایران می‌نویسد

مقامات آمریکایی که به دلیل شکست از ایران در آستانه سقوط قرار دارند



سرویس خارجی-

پس‌لرزه‌های سیلی تاریخی مردم و نیروهای مسلح ایران به ترامپ و حزب جمهوری‌خواه همچنان ادامه دارد. فایننشال تایمز در این باره نوشته است، زلزله به وجود آمده در نتیجه شکست کم‌سابقه جمهوری‌خواهان در انتخابات میان دوره‌ای کنگره، تعداد زیادی از افراد نزدیک به دونالد ترامپ از هگست گرفته تا ونس و روبیو را در خطر سقوط قرار داده است.

پس‌لرزه‌های ضرب‌شست تاریخی ملت ایران به ترامپ و جمهوری‌خواهان در انتخابات میان دوره‌ای کنگره همچنان در صدر اخبار رسانه‌های آمریکا و جهان است. شکستی که حزب جمهوری‌خواه را به هم ریخت، به شکاف بین دولت ترامپ منجر شد و بسیاری از مقامات نظامی و امنیتی دولت وی را در مسیر استعفا و برکناری قرار داد. «آسوشیتدپرس» تقابل بین دموکرات‌ها و جمهوری‌خواهان پس از انتخابات میان دوره‌ای کنگره را «نشانه‌ای از شکاف سیاسی در آمریکا» ارزیابی کرده است. البته چنان که «کیهان» در روزهای قبل هم پرداخته بود، موضوع تأثیرات شکست انتخاباتی سه‌شنبه هفته گذشته تنها به شکاف سیاسی درون حزب جمهوری‌خواهان خلاصه نمی‌شود. طی روزهای گذشته رسانه‌های زیادی در آمریکا از احتمال برکناری یا استعفای بسیاری از مقامات سیاسی و نظامی و امنیتی دولت ترامپ خبر دادند. هفته گذشته و به‌دنبال انتشار نتایج انتخابات، واشنگتن‌پست در گزارشی نوشت، ترامپ به تلافی شکست در انتخابات قصد دارد فرماندهان نظامی جنگ علیه ایران از جمله ژنرال «دن کین»، رئیس ستاد مشترک ارتش آمریکا، و دریاسالار «برد کوپر»، فرمانده فرماندهی مرکزی ارتش آمریکا (سنتکام) را برکنار کند. همزمان رسانه‌ها از استیضاح پیت هگست وزیر جنگ آمریکا هم خبر دادند.

مقاماتی که می‌روند؟

شکست جمهوری‌خواهان در انتخابات، آینده رئیس‌جمهور آمریکا را در معرض خطر قرار داده و زمینه را برای تغییراتی فراهم کرده است که ممکن است، شماری از مقام‌های ارشد کاخ سفید و دولت را در بر بگیرد. این نتیجه‌گیری روزنامه انگلیسی «فایننشال تایمز» است.

در گزارش جدید این روزنامه آمده است که، شکست سنگین حزب جمهوری‌خواه باعث شده مقام‌های کاخ سفید برای حفظ موقعیت خود «دست‌وپا بزنند» و ممکن است بسیاری از دستیاران ارشد رئیس‌جمهور به‌زودی از دولت کنار گذاشته شوند. به گزارش مهر و به نقل از این روزنامه، هنوز مشخص نیست ترامپ چگونه مسئولیت شکست بزرگ را میان اعضای دولت تقسیم خواهد کرد، اما به باور نویسنده، اعمال تغییرات به گزینه‌ای محتمل تبدیل شده است. این روزنامه احتمال می‌دهد برخی مقام‌ها برکنار شوند، برخی دیگر داوطلبانه کنار بکشند و عده‌ای نیز در سمت خود باقی بمانند.

در این گزارش همچنین می‌خوانیم: پیت هگست وزیر جنگ آمریکا یکی از مهم‌ترین مقاماتی است که احتمال استیضاح و برکناری وی به‌شدت وجود دارد. انتصاب او از همان ابتدا جنجال‌برانگیز بود. او تغییرات گسترده‌ای در فرماندهی ارتش ایجاد کرد، دسترسی خبرنگاران به پنتاگون را محدود ساخت و تلاش کرد گرایش‌های مخالف را در نیروهای مسلح تثبیت کند. این روزنامه با اشاره به احتمال برکناری یا کناره‌گیری هگست می‌افزاید که وی ممکن است به‌دلیل پیامدهای جنگ، با فشارهایی از سوی دن کین، رئیس ستاد مشترک ارتش آمریکا، و برد کوپر، فرمانده نیروهای مرکزی آمریکا (سنتکام)، روبه‌رو شود.

این گزارش می‌افزاید: سوزی وایلز، رئیس دفتر سابق کاخ سفید، معمار بازگشت سیاسی ترامپ در سال ۲۰۲۴ به شمار می‌رود که اولین قربانی شکست جمهوری‌خواهان در انتخابات میان دوره‌ای شد. او برای اجرای بسیاری از سیاست‌های ترامپ، از تجارت گرفته تا مهاجرت، تلاش کرده است، اما نهایتاً مانند رؤسای دفتر پیشین در دوره نخست ریاست‌جمهوری ترامپ، نتوانست بیش از مدت کوتاهی در این سمت باقی بماند. فایننشال تایمز معاون رئیس‌جمهور آمریکا را نیز در میان مقام‌هایی قرار داده است که ممکن است تغییرات دولت شامل حال‌شان شود. این روزنامه می‌افزاید که جایگاه ونس به‌عنوان جانشین سیاسی احتمالی ترامپ و نامزد پیشتاز برای کسب نامزدی حزب جمهوری‌خواه در انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۲۸، اکنون زیر سؤال رفته است. فایننشال تایمز اظهارات نیوت گینگریچ، رئیس پیشین مجلس نمایندگان و از حامیان برجسته ترامپ، درباره ونس را یادآوری می‌کند که گفته بود: ونس بخش زیادی از درخشش خود را از دست داده است. براساس این گزارش ونس پس از آشکار شدن ابعاد شکست جمهوری‌خواهان در انتخابات میان‌دوره‌ای، به‌سرعت کوشید فاصله خود را با ترامپ حفظ کند.

براساس این گزارش مارکو روبیو وزیر خارجه آمریکا هم با وجود همراهی با ترامپ در برخی سفرهای انتخاباتی و حمایت از سیاست‌های او، از جمله جنگ علیه ایران، در مقایسه با ونس به جمهوری‌خواهان سنتی نزدیک‌تر تلقی می‌شود و ممکن است رقیبی بالقوه برای کسب نامزدی حزب جمهوری‌خواه در انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۲۸ باشد. پس از شکست جمهوری‌خواهان، در محافل سیاسی واشنگتن گمانه‌زنی‌هایی درباره احتمال کناره‌گیری روبیو با هدف آماده شدن برای رقابت‌های ریاست‌جمهوری مطرح شده است. «هاوارد لوتنیک» وزیر بازرگانی آمریکا هم به‌دلیل ارتباط گسترده با جفری اپستین مجرم جنسی متوفی، با فشارهایی روبه‌رو شده است. به نوشته فایننشال‌تایمز، این مسئله ممکن است او را در معرض بررسی‌های دقیق‌تر کنگره جدید قرار دهد. این روزنامه معتقد است اگر ترامپ بخواهد خشم عمومی ناشی از این پرونده را مهار کند، وزیر بازرگانی ممکن است به یکی از اهداف برکناری تبدیل شود. به نوشته این گزارش اسکات بسنت وزیر خزانه‌داری آمریکا هم یکی از نزدیک‌ترین اعضای دولت به ترامپ است؛ با این حال، بیشتر رأی‌دهندگان از عملکرد دولت ترامپ در حوزه اقتصاد ناراضی بوده‌اند؛ حوزه‌ای که بسنت مسئولیت اصلی مدیریت آن را بر عهده دارد.

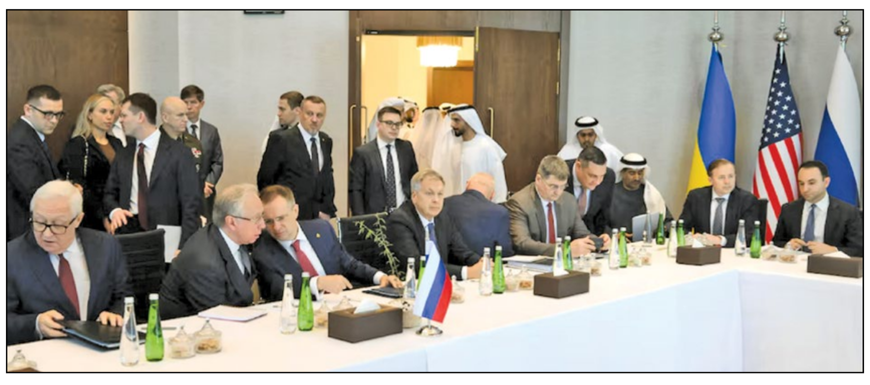
اولین قربانی؟

در آمریکا فعلاً رسانه‌ها از پیت هگست به‌عنوان «اولین قربانی» شکست تاریخی هفته گذشته خبر می‌دهند. وزیر جنگ آمریکا با طرحی هشت‌بندی برای استیضاح روبه‌رو شده است؛ طرحی که این بار نه از سوی یک دموکرات، بلکه از طرف توماس مسی نماینده جمهوری‌خواه ارائه شده و می‌تواند شکاف در اردوگاه جمهوری‌خواهان را عمیق‌تر کند. محور اصلی اتهام‌ها به عملیات نظامی آمریکا علیه ایران بازمی‌گردد. در سه بند از این طرح، هگست متهم شده است که بدون مجوز کنگره، نیروهای آمریکایی را وارد درگیری با ایران کرده و عملیات نظامی را در شرایطی ادامه داده که نه مجوز مشخص قانونی وجود داشته و نه تهدید قریب‌الوقوعی علیه ایالات متحده که چنین اقدامی را توجیه کند. به گزارش مهر به نقل از آسوشیتدپرس، توماس مسی، در نشست خبری خود در کنگره هم از حمله به مدرسه ابتدائی شجره طیبه در شهر میناب ایران به‌عنوان یکی از دلایل پیگیری استیضاح پیت هگست نام برد و گفت این حمله را نمی‌توان با عنوان مه جنگ (شرایط مبهم) توجیه کرد. وی تأکید کرد: ماه‌ها برای شناسایی و انتخاب اهداف نظامی فرصت وجود داشت با این حال یک مدرسه در یک روز تحصیلی و در حالی که دانش آموزان داخل آن حضور داشتند هدف قرار گرفت و سپس چندین‌بار دیگر نیز بمباران شد. در روز نخست جنگ نمی‌توان از ابهامات و آشفتگی‌های میدان نبرد برای توجیه چنین حمله‌ای استفاده کرد. مسی بیان کرد: هگست به‌دلیل ناکارآمدی در انجام وظایفش با استیضاح روبه‌رو نشده بلکه اتهام اصلی این است که او قوانین را نقض کرده و سازوکارهای وزارت جنگ آمریکا برای جلوگیری از حمله به غیرنظامیان را تضعیف کرده است. هگست در قبال هدف قرار گرفتن کودکان در ایران و حملات مرگبار به قایق‌ها در اقیانوس آرام و دریای کارائیب مسئول است.

سی‌ان‌ان در تحلیلی در این زمینه نوشته است دونالد ترامپ، با وجود افزایش فشارها برای استیضاح پیت هگست، وزیر جنگ این کشور، همچنان از او حمایت می‌کند؛ زیرا برکناری هگست می‌تواند به معنای پذیرش شکست در جنگ با ایران و اشتباه بودن تصمیم دولت برای ورود به این جنگ تلقی شود. به نوشته سی‌ان‌ان، اگرچه برکناری هگست در کوتاه‌مدت بعید به نظر می‌رسد، زیرا محکومیت او در سنای کنونی به رأی دو سوم اعضا نیاز دارد، اما ادامه مخالفت‌ها در هر دو حزب می‌تواند موقعیت او را تضعیف کند. حتی برخی جمهوری‌خواهان نیز درباره ادامه حضور او در وزارت جنگ ابراز تردید کرده‌اند. در حالی که تحرکات برای استیضاح وزیر جنگ آمریکا آغاز شده، تد کروز که رسانه‌ها او را گزینه انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۲۸ آمریکا خوانده‌اند، درباره استیضاح دونالد ترامپ هشدار داد. این سناتور جمهوری‌خواه با اشاره به تسلط دموکرات‌ها بر کنگره گفت که احتمال دارد که ترامپ چند بار استیضاح شود.

گزارش کیهان از نشستی برای پایان جنگ اوکراین

ابوظبی، میزبان مذاکراتی که از پیش شکست خورده است



سرویس خارجی-

نشست ۲ روزه آمریکا، روسیه و اوکراین در ابوظبی با هدف پایان دادن به جنگ اوکراین امروز در حالی به کار خود پایان می‌دهد که کارشناسان بر این باورند، این نشست از پیش شکست خورده است و بعید است که با توجه به اختلافات گسترده و جدی طرفین به نتیجه ملموسی برسد.

۱۷۲۲ روز(۴ سال و ۸ ماه و ۱۶ روز) از جنگ اوکراین می‌گذرد. جنگی که طی آن ده‌ها هزار نفر کشته، صدها هزار تن زخمی و میلیون‌ها اوکراینی آواره شده‌اند؛ گزارش منابعی غربی نشان می‌دهد که بسیاری از مناطق اوکراین تقریباً نابود شده و قبرستان‌های این کشور دیگر جایی برای دفن اجساد ندارد. برخی از کارشناسان رئالیست، ریشه‌های جنگ کنونی را «اشتباه اوکراین در تقابل با همسایه قدرتمند خود و تلاش برای تضمین امنیت خود با عضویت در ناتو» می‌دانند. به گفته آنها کشورها قادر به تغییر همسایگان خود نیستند و زمانی که کشور کوچکی با یک کشور بسیار بزرگ و قدرتمند همسایه است عاقلانه نیست که با آن وارد تنش‌های سیاسی و نظامی شده و آن را تحریک کند. در واقع اوکراین فریب آمریکا را خورد و زمانی که جنگ شروع شد علی‌رغم وعده حمایت گسترده‌ای که دریافت کرد، در مقابل ماشین جنگی روسیه تنها ماند و غیر از پول و تسلیحات حمایت دیگری دریافت نکرد؛ همین مقدار حمایت نیز طی نزدیک به دو سال گذشته و با بازگشت ترامپ به کاخ سفید به شدت کاهش پیدا کرده است. در طول نزدیک به ۵ سال گذشته نشست‌های متعددی برای پایان جنگ و برقراری آتش‌بس بین دو طرف با میانجیگری کشورهای مختلف انجام شده است اما همه این تلاش‌ها شکست خورده است. ترامپ مدعی بود که به محض استقرار مجدد در کاخ سفید صرفاً با یک تلفن این جنگ را خاتمه خواهد داد اما تا حالا نزدیک به ۲ سال از زمانی که قرار بود وی تلفن را بردارد و به جنگ خاتمه دهد می‌گذرد.

ابوظبی

دیروز سه‌شنبه(۱۹ آبان) هم مذاکرات روسیه و اوکراین با میانجیگری آمریکا پشت درهای بسته در امارات آغاز شد. شهر ابوظبی پیش‌ازاین نیز دو نوبت در بهمن ۱۴۰۴ میزبان نشست‌های سه‌جانبه حل‌وفصل مناقشه اوکراین بود اما هیچ یک از این نشست‌ها به نتیجه نرسید. به گزارش ایرنا به نقل از رسانه‌های منطقه «استیو ویتکاف» فرستاده ویژه رئیس‌جمهور آمریکا، «جرد کوشنر» داماد ترامپ و مذاکره‌کننده دیگر آمریکا؛ ژنرال «الکسوس گرینکوویچ» فرمانده نیروهای سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) در اروپا و عبدالله بن زاید آل نهیان وزیر امور خارجه امارات متحده عربی، در زمان آغاز مذاکرات در ابوظبی بر سر میز مذاکره حضور داشتند، مذاکراتی که قرار است امروز چهارشنبه نیز ادامه یابد. از طرف روسیه نیز مدینسکی دستیار رئیس‌جمهور، ریاست هیئت را برعهده دارد. نخستین بار سرگئی ریابکوف معاون وزیر امور خارجه روسیه به اعضای این هیئت مذاکره‌کننده پیوسته است. میخائیل گالوزین دیگر معاون وزارت خارجه و ایگور کاستیاکف رئیس سازمان اطلاعات نظامی نیز در این هیئت حضور دارند. یوری ژیگارلوفسکی معاون عملیات ستاد کل نیروهای مسلح روسیه هم برای اولین بار در این مذاکرات شرکت کرده است. هیئت اوکراین هم به ریاست «رستم عمروف» رئیس سرویس اطلاعات خارجی این کشور، اعزام شده است. «کریلو بودانوف»، رئیس دفتر ریاست‌جمهوری اوکراین، «سرگئی کیسلیتسیا»، معاون اول دفتر ریاست‌جمهوری، «وادیم اسکیبیتسکی»، معاون اداره اطلاعات نظامی وزارت دفاع و «داوید آراخامیا»، رئیس فراکسیون حزب حاکم در پارلمان اوکراین، دیگر اعضای این هیئت هستند. در همین حال، تارنمای نشریه «پولیتیکو» از حضور نمایندگان چهار کشور اروپایی در حاشیه نشست سه‌جانبه در ابوظبی خبر داده است؛ هرچند این افراد در میز مذاکره حضور نخواهند داشت.

موضوعات چالشی

مذاکرات سه‌جانبه روسیه، آمریکا و اوکراین در ابوظبی در حالی برگزار می‌شود که تضمین‌های امنیتی، اختلافات سرزمینی و نقش اروپا در نظم امنیتی پس از جنگ، از مهم‌ترین محورهای گفت‌وگوهاست. پیش‌تر دیمیتری پسکوف سخنگوی کرملین اعلام کرده بود که تمرکز مذاکرات در ابوظبی بر موضوع «تضمین‌های امنیتی» خواهد بود. یک منبع در تیم مذاکره‌کننده روسیه گفت: مذاکرات سه‌جانبه در ابوظبی به موضوع ایجاد یک نظام امنیتی جدید در سطح قاره برای دوران پس از درگیری خواهد پرداخت. به گفته این منبع، حل‌وفصل وضعیت اوکراین- که خود مسئله‌ای حیاتی است- تنها بخشی از این گفت‌وگوی گسترده‌تر محسوب می‌شود و در واقع در ذیل هدف اصلی قرار می‌گیرد: ایجاد یک ساختار امنیتی جامع و تجزیه‌ناپذیر برای کل قاره

به گفته کارشناسان انتظار نمی‌رود این دور از مذاکرات به توافق نهائی منجر شود و هدف اصلی آن، روشن شدن اختلافات باقی‌مانده و ترسیم چارچوبی برای ادامه گفت‌وگوهاست. به گزارش فارس نکته محوری این مذاکرات، تلاش برای پیشبرد همزمان دو پرونده به‌هم‌پیوسته است: تعیین تکلیف مناطق مورد اختلاف و ارائه تضمین‌های امنیتی به اوکراین در دوران پس از جنگ. بر اساس اطلاعات منتشرشده درباره دستور کار مذاکرات، موضوعات دیگری از جمله توقف حملات به زیرساخت‌های انرژی، امنیت کشتیرانی در دریای سیاه و مسیر انتقال غلات، مسائل انسانی و تبادل اسرا نیز مطرح خواهند شد.

بر اساس گزارش‌ها یکی از مهم‌ترین موضوعات مذاکرات، ارائه تضمین‌های امنیتی به اوکراین برای دوران پس از جنگ است. مقام‌های آمریکایی در نشست توجیهی با خبرنگاران پیش از مذاکرات اعلام کرده‌اند که واشنگتن از روسیه می‌خواهد با ترتیباتی موافقت کند که سطحی از حمایت امنیتی مشابه مواد ۴ و ۵ پیمان ناتو را برای اوکراین فراهم کند. ماده ۴ پیمان ناتو اعضا را ملزم می‌کند در صورت تهدید امنیتی، با یکدیگر مشورت کنند و ماده ۵ نیز حمله مسلحانه به یک عضو را حمله به همه اعضا تلقی می‌کند. با این حال، هرگونه تعهد مستقیم آمریکا در این زمینه نهایتاً به تصمیم «دونالد ترامپ» رئیس‌جمهور آمریکا بستگی خواهد داشت. مقام‌های آمریکایی همچنین تأکید کرده‌اند که اروپا باید بخش عمده هزینه‌های مربوط به تضمین‌های امنیتی و ترتیبات پس از جنگ را برعهده بگیرد. «ولودیمیر زلنسکی» رئیس‌جمهور اوکراین پیش‌تر اعلام کرده بود که اوکراین و متحدان غربی‌اش درباره تضمین‌هایی مشابه ماده ۵ ناتو گفت‌وگو کرده‌اند؛ تضمین‌هایی که باید مشخص کنند در صورت حمله مجدد روسیه، کشورهای حامی اوکراین چه اقدامی، با چه امکاناتی و در چه زمانی انجام خواهند داد. در مقابل، روسیه نیز خواهان دریافت تضمین‌های امنیتی است و با عضویت اوکراین در ناتو و استقرار نیروهای نظامی کشورهای اروپایی در خاک این کشور مخالفت می‌کند. کرملین همچنین هشدار داده است که نیروهای اروپایی مستقر در اوکراین را اهداف مشروع نظامی تلقی خواهد کرد.

مسئله سرزمین نیز همچنان یکی از دشوارترین موانع دستیابی به توافق است. روسیه همچنان خواهان الحاق کامل منطقه دونتسک است. این درحالی است که موضع اوکراین حفظ خطوط فعلی تماس و مخالفت با واگذاری مناطقی است که روسیه نتوانسته در میدان نبرد تصرف کند. بر اساس گزارش آسوشیتدپرس، «ولادیمیر پوتین» خواهان عقب‌نشینی نیروهای اوکراینی از چهار منطقه‌ای است که روسیه در سال ۲۰۲۲ به خاک خود ملحق کرد، اما هنوز کنترل کامل آن‌ها را در اختیار ندارد. مسکو همچنین خواهان کنار گذاشتن تلاش اوکراین برای عضویت در ناتو و اعمال محدودیت‌هایی بر توان نظامی این کشور است. در مقابل، کی‌یف با واگذاری داوطلبانه سرزمین‌ها و پذیرش محدودیت‌های نظامی مخالفت کرده و آتش‌بس فوری را نخستین گام برای آغاز مذاکرات جامع‌تر می‌داند. با توجه به این اختلاف‌نظرهای جدی بعید به نظر می‌رسد که از نشست ابوظبی توافق نهائی صلح یا آتش‌بس بیرون بیاید.

یک تریلیون و ۴۰ میلیارد دلار مازاد؛ رکوردی که چین در جهان به نام خود ثبت کرد



سرویس خارجی-

چین با ثبت مازاد تجاری بی‌سابقه یک تریلیون و ۴۰ میلیارد دلاری در ۱۰ ماه نخست سال، رکورد تازه‌ای در اقتصاد جهان به نام خود ثبت کرد؛ جهشی که بیش از هر چیز از قدرت فزاینده صنایع و صادرات این کشور در عرصه جهانی حکایت دارد.

داده‌های رسمی گمرک چین نشان می‌دهد مازاد تجاری این کشور در ۱۰ ماه نخست سال جاری میلادی با ثبت رقم بی‌سابقه یک تریلیون و ۴۰ میلیارد دلار، از رکورد مجموع سال گذشته نیز فراتر رفته است، دستاوردی که عمدتاً در پی جهش صادرات محصولات صنعتی، فناوری‌های پیشرفته و کالاهای مرتبط با هوش مصنوعی، از جمله تراشه‌های رایانه‌ای، سرورهای مراکز داده و تجهیزات شبکه حاصل شده است. به گزارش روز سه‌شنبه ایرنا به نقل از شبکه یورونیوز، صادرات چین در ماه گذشته میلادی با رشد ۳۵.۲ درصدی نسبت به مدت مشابه سال قبل به ۴۱۲.۳ میلیارد دلار رسید و واردات این کشور نیز با افزایش ۴۱.۶ درصدی، رقم ۳۰۷.۱ میلیارد دلار را ثبت کرد. به این ترتیب، مجموع مازاد تجاری چین در فاصله ژانویه (دی ۱۴۰۴) تا اکتبر (مهر ۱۴۰۵) به ۱.۰۴ تریلیون دلار رسید، رقمی که نشان‌دهنده جایگاه پررنگ صادرات در اقتصاد دومین قدرت اقتصادی جهان است. ژیوی ژانگ، رئیس و اقتصاددان ارشد مؤسسه مدیریت دارایی پین‌پوینت، نیز با اشاره به نقش محوری صادرکنندگان در عملکرد اقتصادی چین، پیش‌بینی کرده است که این روند در ماه‌های آینده ادامه یابد؛ به‌ویژه آن که تقاضای جهانی برای محصولات پیشرفته و فناوری‌های مرتبط با هوش مصنوعی همچنان رو به افزایش است.

ثبت این رکورد تجاری در شرایطی صورت می‌گیرد که اقتصاد چین با چالش‌هایی از جمله رکود بخش مسکن و مستغلات و ضعف مصرف داخلی روبه‌رو است و صادرات به یکی از مهم‌ترین موتورهای حفظ رشد اقتصادی این کشور تبدیل شده است. در همین حال، گسترش صادرات کالاهای چینی، به‌ویژه محصولات ارزان‌قیمت و صنعتی، نگرانی برخی شرکای تجاری پکن را برانگیخته و تنش‌های اقتصادی با آمریکا و اتحادیه اروپا را افزایش داده است. بر اساس داده‌های گمرکی، صادرات چین به آمریکا در ماه گذشته ۳۲.۹ درصد رشد داشته و مازاد تجاری این کشور در مبادلات با اتحادیه اروپا نیز طی ۱۰ ماه نخست سال به ۳۱۰.۷ میلیارد دلار رسیده است؛ در حالی که این رقم در مدت مشابه سال گذشته ۲۴۱.۶ میلیارد دلار بود. افزایش این شکاف تجاری، فشارها بر بروکسل برای حمایت از صنایع داخلی و مقابله با آن‌چه رقابت ناعادلانه کالاهای چینی خوانده می‌شود، را تشدید کرده است. از سوی دیگر، پکن و واشنگتن در آستانه دیدار احتمالی شی جین‌پینگ و دونالد ترامپ در حاشیه نشست همکاری اقتصادی آسیا و اقیانوسیه (APEC)، همچنان با اختلافات تجاری روبه‌رو هستند. تحلیلگران معتقدند چین برای تحقق هدف رشد اقتصادی ۴.۵ تا ۵ درصدی خود در سال جاری، بیش از گذشته به صادرات متکی است؛ چراکه ضعف تقاضای داخلی و فاصله نرخ تورم از هدف رسمی دولت، همچنان از چالش‌های اصلی اقتصاد این کشور به شمار می‌روند.

مازاد تجاری یعنی چه؟

مازاد تجاری زمانی به وجود می‌آید که ارزش کالاها و خدماتی که یک کشور به کشورهای دیگر صادر می‌کند، بیشتر از ارزش کالاها و خدماتی باشد که از خارج وارد می‌کند. به زبان ساده، اگر چین در یک دوره زمانی یک تریلیون و ۴۰ میلیارد دلار بیشتر از آن‌چه وارد کرده، کالا و خدمات به کشورهای دیگر فروخته باشد، این اختلاف مثبت را مازاد تجاری می‌نامند. البته مازاد تجاری به معنای سود خالص دولت یا ثروت نقدی همین میزان نیست، بلکه نشان‌دهنده بیشتر بودن ارزش صادرات نسبت به واردات است. مازاد تجاری زمانی یک اتفاق مثبت برای اقتصاد محسوب می‌شود که حاصل افزایش تولید داخلی، رشد صادرات، رقابت‌پذیری صنایع و فروش محصولات باکیفیت به بازارهای جهانی باشد؛ زیرا در این شرایط به رونق کارخانه‌ها، ایجاد اشتغال و افزایش درآمدهای ارزی کشور کمک می‌کند. اما اگر مازاد تجاری به دلیل کاهش واردات، ضعف قدرت خرید مردم یا رکود مصرف داخلی ایجاد شود، لزوماً نشانه سلامت اقتصادی نیست و حتی می‌تواند بیانگر وجود مشکلات ساختاری در اقتصاد باشد. بنابراین، ارزش واقعی مازاد تجاری زمانی مشخص می‌شود که بدانیم این مازاد حاصل قدرت بیشتر در تولید و صادرات است یا کاهش توان اقتصادی و مصرف داخلی؛ که در مورد چین مسئله همان افزایش تولید داخلی، رشد صادرات و... است.

تشدید حملات به قلب ریاض و ائتلافی که آبی برای عربستان گرم نکرد

سرویس خارجی-

حملات یمن به قلب عربستان با شنیده شدن انفجارهای شدید در ریاض و توقف پروازها در فرودگاه دمام تشدید شد؛ اما با ائتلافی که با حمایت آمریکا و مشارکت ترکیه و پاکستان شکل گرفت، نه‌تنها آبی برای ریاض گرم نکرده، بلکه صنعا را در مسیر گسترش پاسخ نظامی و تحمیل هزینه‌های سنگین بر رژیم سعودی قرار داده است.

ائتلاف‌ها و توافق‌های امنیتی، در بیشتر موارد، نه بر پایه دوستی پایدار یا تعهدات ایدئولوژیک، بلکه بر محاسبه قدرت نسبی و منافع کوتاه‌مدت شکل می‌گیرند. وقتی توزیع قدرت در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی دستخوش تغییر می‌شود یا هزینه‌های حفظ اتحاد از منافع آن پیشی می‌گیرد، این توافق‌ها به‌سرعت به پوسته توخالی تبدیل می‌شوند. رژیم‌هایی که به‌جای اتکا به منابع داخلی قدرت، تمام تخم‌مرغ‌های امنیتی خود را در سبد حمایت خارجی می‌گذارند، دیر یا زود با محدودیت‌های ساختاری این وابستگی روبه‌رو می‌شوند. حمایت قدرت‌های بزرگ هرگز رایگان نیست و همواره مشروط به همسویی با اولویت‌های استراتژیک حامی است، اولویت‌هایی که می‌تواند ناگهان تغییر کند و شریک وابسته را در میدان نبرد تنها بگذارد.

رژیم سعودی نمونه‌ای کلاسیک از این بن‌بست ساختاری است. توافق سه‌جانبه‌ای که ریاض در سال‌های اخیر حول با، به اصطلاح، شرکای منطقه‌ای خود بنا کرده، بیش از آن‌که ابزار تقویت موقعیت استراتژیک این رژیم باشد، بازتابی از ضعف ساختاری و فقدان عمق استراتژیک آن بوده است. وابستگی شدید به چتر امنیتی خارجی، همراه با سیاست‌های ماجراجویانه‌ای که مشروعیت داخلی و منطقه‌ای رژیم را فرسوده کرده، باعث شده است این ائتلاف و این سنخ ائتلاف‌ها نتوانند حتی حداقل بازدارندگی مورد انتظار را تأمین کنند. در منطق واقع‌گرایی، دولتی که در جبهه‌ای درگیر می‌شود که توان مدیریت آن را ندارد و منابع خود را بدون محاسبه دقیق هزینه‌ها مصرف می‌کند، نه‌تنها قدرت ائتلاف را افزایش نمی‌دهد، بلکه آن را به باری تبدیل می‌کند که شرکا تمایلی به تحمل دائمی‌اش ندارند. نتیجه این الگوی رفتاری، توافق‌هایی است که روی کاغذ وجود دارند اما در میدان عمل عقیم مانده‌اند.

ائتلاف سه‌جانبه و بن‌بست ریاض

علی العماد، عضو دفتر سیاسی جنبش انصارالله یمن، از موضع‌گیری اسعد الشیبانی، وزیر خارجه رژیم جولانی در سوریه مبنی بر عدم مداخله در یمن استقبال کرد و تأکید کرد که یمن همواره آماده مبارزه با رژیم صهیونیستی است و هرگز بخشی از جنگ در سوریه نبوده است. وی با اشاره به انفعال پاکستان و مشارکت عربستان در جنگ علیه یمن گفت که ائتلاف سه‌جانبه مکه هیچ خدمتی به ریاض نکرده و این کشور به‌دلیل جنایاتش علیه مردم یمن هیچ پایگاه مردمی ندارد و در مسیر شکست قرار گرفته است. العماد تصریح کرد که انصارالله هرگز به عقب بازنخواهد گشت و عربستان باید به‌طور کامل از یمن خارج شود.

انفجار در ریاض و توقف پروازها

خبر دیگر از یمن آن‌که بامداد سه‌شنبه صدای انفجارهای شدید در ریاض، پایتخت عربستان، شنیده شد و هم‌زمان عملیات پروازها در فرودگاه بین‌المللی ملک فهد در شهر دمام به حالت تعلیق درآمد. داده‌های سایت فلایت‌رادار۲۴ این توقف را تأیید کرد و پایگاه خبری عرب‌ژورنال به نقل از خبرگزاری فرانسه گزارش داد که علت این انفجارها و تعلیق پروازها هنوز به‌طور رسمی اعلام نشده است. با این حال، این رخداد در شرایطی رخ می‌دهد که فرودگاه‌ها و مراکز نظامی و اقتصادی عربستان در روزهای اخیر بارها هدف عملیات نیروهای مسلح یمن قرار گرفته‌اند؛ عملیاتی که صنعا آن را پاسخ مستقیم به تجاوز و محاصره ادامه‌دار ریاض علیه مردم یمن می‌داند.

نخست وزیر عراق بخواند

گزارش تکان‌دهنده از گورهای جمعی داعش برای زنان و کودکان عراقی!

سرویس خارجی-

کشف و کاوش ۸۵ گور جمعی از قربانیان جنایات داعش در سنجار، اعم از مرد و زن و کودک و پیر، بار دیگر ابعاد هولناک تروریسم تکفیری را آشکار کرد. مقاومت عراق که «علی الزیدی» به‌دنبال انحلال آن است، کمر همین داعش را شکست!

عبدالاله النائلی، رئیس مؤسسه شهدای عراق، اعلام کرد که عملیات گشودن، کاوش و مستندسازی تمامی گورهای جمعی شناسایی‌شده مربوط به قربانیان ایزدی جنایات گروه تروریستی داعش در منطقه سنجار، واقع در استان نینوا، طی ماه‌های آینده به پایان خواهد رسید. داعش در دوران اشغال این منطقه، با ارتکاب جنایاتی هولناک علیه غیرنظامیان ایزدی، از جمله زنان، مردان و کودکان، فاجعه‌ای انسانی رقم زد که آثار آن همچنان در قالب گورهای جمعی متعدد باقی مانده است؛ تاکنون ۹۰ گور جمعی در این منطقه شناسایی شده که از این تعداد، عملیات کاوش و مستندسازی ۸۵ مورد به پایان رسیده و بقایای پیکر ۷۰۰ قربانی از آن‌ها خارج شده است. به گفته النائلی، هویت ۳۰۰ نفر از این قربانیان از طریق آزمایش‌های پزشکی قانونی و تطبیق نمونه‌های خون مشخص و پیکرهای آنان به خانواده‌هایشان تحویل داده شده و قرار است عملیات مربوط به پنج گور باقی‌مانده نیز در ماه‌های آینده تکمیل شود. به گزارش مهر به نقل از روزنامه الصباح، پایان این عملیات به معنای بسته شدن کامل پرونده جنایات داعش در سنجار نیست و احتمال کشف گورهای جمعی جدید در جریان فعالیت‌های عمرانی و بازسازی همچنان وجود دارد. این در حالی است که ابعاد فاجعه سنجار بار دیگر چهره واقعی گروهی را آشکار می‌کند که با حمایت‌های سیاسی، مالی، تسلیحاتی و اطلاعاتی برخی قدرت‌های خارجی، به‌ویژه حامیان غربی آن، به یکی از مخرب‌ترین ابزارهای بی‌ثبات‌سازی منطقه تبدیل شد؛ جنایاتی که نه‌تنها مسئولیت مستقیم آن برعهده عناصر داعش است، بلکه ضرورت پاسخ‌گویی و شفاف‌سازی درباره نقش و حمایت‌های خارجی مؤثر در شکل‌گیری و گسترش این گروه تروریستی را نیز دوچندان می‌کند.

از حمایت ایران در نبرد با داعش تا بازی سیاسی بغداد با گذرگاه‌های مرزی

در حالی که جمهوری اسلامی ایران و مقاومت عراق در یکی از حساس‌ترین مقاطع تاریخ عراق، با حمایت‌های مستشاری، نظامی و میدانی و نقش‌آفرینی تعیین‌کننده در سازمان‌دهی نیروهای مقاومت، کمک‌های اساسی و انکارناپذیری به دولت و ملت عراق برای مقابله با پیشروی گروه تروریستی داعش و آزادسازی مناطق اشغال‌شده ارائه کرد، اکنون سیاست‌های دولت بغداد در قبال همسایه شرقی خود و نیروهای مقاومت عراق، پرسش‌ها و انتقادهای جدی برانگیخته است. در تازه‌ترین نمونه، سرلشکر عمر الوائلی، رئیس اداره گذرگاه‌های مرزی عراق، از بازگشایی گذرگاه مرزی الشیب (چذابه) از ساعت ۸ صبح سه‌شنبه ۱۹ آبان و تعطیلی موقت گذرگاه مندلی (سومار) از جمعه ۲۲ آبان به بهانه انجام تعمیرات و الزامات فنی خبر داده است؛ تصمیم‌هایی که در کنار سابقه محدودیت‌ها و تغییرات مکرر در وضعیت گذرگاه‌های مرزی ایران و عراق، تصویری از سردرگمی و بی‌ثباتی در مدیریت روابط مرزی دو کشور ترسیم می‌کند. این رویکرد در شرایطی اتخاذ می‌شود که دولت علی الزیدی، به‌رغم برخورداری از حمایت‌های استراتژیک ایران در دوران مبارزه با تروریسم، بیش از پیش در معرض انتقادها درباره همسویی با سیاست‌ها و فشارهای آمریکا قرار گرفته است. اکنون این پرسش مطرح است که چرا دولتی که امنیت و ثبات سرزمینی خود را تا حد زیادی مدیون همکاری‌های منطقه‌ای، به‌ویژه حمایت ایران در نبرد با داعش است، به‌جای تقویت همکاری‌های اقتصادی و تسهیل مبادلات مرزی با تهران، باید شاهد تصمیم‌های مکرر برای باز و بسته کردن گذرگاه‌ها و ایجاد اختلال در روند تجارت و تردد میان دو کشور باشد؟ چرا نخست‌وزیر تازه از راه رسیده، به‌دنبال خلع سلاح مقاومت عراق به خواسته آمریکایی‌هاست...؟

روزنامه صبح
صاحب امتیاز: شرکت چاپ و انتشارات کیهان (مؤسسه کیهان)
مدیر مسئول و سردبیر: حسین شریعتمداری
تلفن: ۳۵۲۰۰ و ۹-۳۳۱۱۰۲۵۱
کیهان و خوانندگان۳ تا ۶ عصر: ۳۳۱۱۰۰۶۵
ارتباط با ما در پیام‌رسان‌های ایتا و بله:
@kayhannewspaper
صفحات وب: www.kayhan.ir
کد پستی: ۱۱۴۴۸۳۱۵۹۹
صندوق پستی: ۱۱۱۵۵/۳۶۳۱
تهران - خیابان فردوسی کوچه شهید شاهچراغی